

بلا تکلیفی ۱۵ ساله مدارس نیمه ساخته ۱۷ شهریور، کوچه تنباکویی را ناامن کرده است

هتل معتادان!

●● حفاظ‌های محکم برای آیفون‌ها

چرخ دور دیوارهای مدرسه می‌زنیم. بالا رفتن از دیوارها چندان زحمتی ندارد، به ویژه که معتادها طرف دیگر دیوار برای خودشان پله ساخته‌اند! داخل مدرسه پر از سرنگ، نی، دیوارهای دود گرفته و... است. داخل طبقات را هم قرق کرده‌اند. تقسیم بندی فضا با کشیدن پارچه‌های کهنه مشخص می‌کند هر کد امشان برای خودشان مرزی کشیده و بخشی از زمین را صاحب شده‌اند.

هرچه این معتادها در ساختمان‌های این مدارس راحت‌اند، ساکنان محله در عذاب‌اند. از چند قفله بودن درهای خانه‌های ساکنان تا حفاظ‌های محکم برای آیفون‌های تصویری و خالی بودن جای لامپ بالایی درهای خانه‌ها می‌شود فهمید که امنیت از این محل رخت بر بسته است. نمونه‌اش هم خانه حسین آقا

اسکندری است؛ کسی که مارا به خانه‌اش می‌برد تا نشان دهد برای رفتن به مسافرت چه کرده است. می‌گوید: این معتادها از نشنگی که درمی‌آیند، برای دزدی راه دوری نمی‌روند و به خانه و خودرو ما اهالی دستبرد می‌زنند. چند ماه قبل دسته جمعی خانه‌ام را خالی کردند و حالا برای مسافرت مجبور شده‌ام کل در و پنجره‌ها را جوش بزنم. م. ابراهیم زاده هم از بیت‌المالی که دست معتادان افتاده است، حرف به میان می‌آورد و می‌گوید: رها کردن این مدرسه مثل انداختن سرمایه خیران داخل جوی است. چرا اداره کل نوسازی آموزش و پرورش که وظیفه تکمیل آن را دارد، کاری نمی‌کند؟ نکنند منتظر است آهن‌ها هم بیوسند!

●● به دنبال آتش زدن خانه‌ها هستند

مثل رنگ سیاه پارچه، دیوارهای خانه محمد دانایی از دود سیاه می‌زند. خانه‌اش مجاور مدرسه است و آخرین بار خودش آتش را قبل از رسیدن به خانه‌اش خاموش کرده است که با نشان دادن رد ماجرا چنین می‌گوید: زندگی در همسایگی آقا خوب بود. کنار خانه‌ام هم سه مدرسه امام^(ع)، شرف و عاملی بود. حدود پانزده سال قبل مدرسه‌ها را تعطیل کردند. آن قدر دیوارهایش محکم بود که به زور خرابش کردند. اسکلت‌ها که بالا رفت و نصف دیوارها را ساختند، نمی‌دانیم چه اختلافی پیش آمد که همه چیز تعطیل شد. حالا هم سال‌هاست هتل معتادان شده است. کمترین تخلفشان هم روشن کردن آتش است. چندین بار آتششان شعله‌ور شد و آتش‌نشانی را خبر کردیم. آخرین بار هم دیوار خانه‌ام را آتش زدند که اگر به موقع نمی‌جنبیدم یا خانه نبودم، الان همه چیزم دود شده بود.

●● روز روشن خودرو زائران را خالی می‌کنند

اهالی که جلومدرسه دورم را گرفته‌اند، همه زخمی دزدی این معتادها هستند. حسین اسکندری از سرقت خانه می‌گوید، زهر افتخاری هم همین طور، مریم خانم هم همین طور و....

زهراد حقان خانه‌اش را نشانمان می‌دهد و می‌گوید طی یک سال چهار بار خودروشان را این معتادها خالی کرده‌اند. علی آقا، شاطر نانوايي، هم که شاهد دستبرد زدن این معتادها به خودروهای زائران بوده است، چنین می‌گوید: آب از سر این‌ها گذشته است و حتی منتظر تاریکی شب برای دزدی نمی‌مانند. در روز روشن خودرو زائران را خالی می‌کنند. اگر زورشان هم نرسد، سریع لاستیک خودروها را با می‌کنند.

●● پاتوق خلاف دختر و پسرهای معتاد

دیوارهای این مدارس یک طرف کوچه را گرفته‌اند. قدم از قدم که برمی‌داری، باید جوانب احتیاط را رعایت کنی. به گفته آن‌هایی که در صف نانوائی‌اند، ناگهان چند معتاد غیرمنتظره از روی دیوارها داخل کوچه می‌پرند و خدا نکند شیشه زده باشند... خانم طالب خانه‌اش روبه روی این مدارس است و بارها این صحنه‌ها و بدتر از آن را دیده است. دستمان را می‌گیرد و تاپشت بام خانه‌اش مارا بالایا می‌برد. از آنجا خیلی چیزها دیده می‌شود؛ از لباس‌های زیرو کفش رها شده زنان معتاد تا رخت و تشک‌های کهنه پهن شده! و برایمان از خلاف و کارهای غیر اخلاقی دختر و پسرهای معتاد در این ساختمان که روبه خانه‌آن‌هاست، می‌گوید و گلایه می‌کند: بچه‌های این محل مدرسه ندارند و خانواده‌ها برای همین معضلات از این محله رفته‌اند. آن‌هایی هم که مانده‌اند، مجبورند کلی هزینه سرویس مدرسه‌های دور را بدهند. آموزش و پرورش هم نه تنها این موضوع را برایش اهمیت ندارد، بلکه حتی دلش نمی‌سوزد به پول خیری که اینجا خرج شده است و ساختمان‌ها تا این مرحله ساخته شده‌اند. به گفته او و مجتبی بلوچ، دیگر ساکن این محله، در دو سال گذشته دو جنازه از این مدارس بیرون کشیده‌اند. آقامجتبی که بارها شاهد تخلیه این مدارس از معتادان توسط کلانتری بوده است، این روش را موقت می‌خواند و پیشنهاد خراب کردن دیوارهای مدارس و تبدیل آن‌ها به پارکینگ موقت تا زمان تعیین تکلیف نهایی را می‌دهد.

●● تعیین تکلیف پروژه تا یک ماه آینده

«این پروژه در سال ۱۳۹۰ با اعتباراتی که خیران آوردند و کمک‌های شهرداری کرد، تا مرحله نصب اسکلت فلزی پیش رفت. این را مدیرکل نوسازی مدارس خراسان رضوی به شهرآرامحله می‌گوید و می‌افزاید: تکمیل آن نیازمند کمک خیران است و تا زمانی که پیشرفت فیزیکی‌اش با کمک خیران به ۵۰ درصد نرسد، امکان جذب اعتبارات ملی برای تکمیل آن نیست.

جاسم حسین پور در پاسخ به اینکه شاید هیچ وقت خیری حاضر به تکمیل آن نشود، توضیح می‌دهد: به دنبال این هستیم که با استفاده از طرح مولدسازی دولت این مسئله را حل کنیم و طی یک ماه آینده تکلیف این پروژه مشخص خواهد شد.

فاطمه شوشتری اینجا دیوارهایی برای ساخت مدرسه بالا رفته است، جایی که پیش از این هم مدرسه بود و مرکز آموزش و تبادل دانش و اندیشه، اما این روزها به کلونی مردان و زنان نشسته و خماری تبدیل شده است که زندگی پوسیده‌شان را پشت این دیوارهای نیمه ساخته طی می‌کنند!

جایی که نه حاشیه شهر است نه روستایی دور افتاده از شهر؛ اتفاقاً مرکز شهر است و چند قدم بیشتر تا حرم مطهر فاصله ندارد. به همین دلیل از دیوارهای دوده گرفته که چشم برمی‌داری، چشمیت به هتل‌های آن سوی خیابان می‌افتد! البته برای ته خطی‌های اینجا چه فرقی می‌کند روبه رویشان هتل باشد یا دیواری که رویش شعاری برای دانش‌آموزان نوشته شده باشد! مهم این است که در بلا تکلیفی پروژه‌ای بزرگ، جای امنی برای درآمدن از نشنگی و پراندن چرت خماری پیدا کرده‌اند.

اینجا محل مدرسه‌های نوین در خیابان ۱۷ شهریور شمالی ۷ است که به گفته اهالی از حدود پانزده سال قبل با خرابی سه مدرسه قدیمی فعال، پی‌اش گذاشته شد. اما بعد از اسکلت‌بندی و بالا رفتن دیوارها همه چیز رها شد. حالا اهالی درمانده از حضور معتادانی هستند که سالانه چندین بار کلاتری جمعشان می‌کند، اما باز سروکله‌شان پیدا می‌شود؛ مردمی که پیگیری‌هایشان از مسئولان تاکنون بی جواب مانده است!

